

**Predigt am Fest der Himmelfahrt Christi, 21.5.2020,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Johannes 17,20-26:

انجیل یوحنا باب ۱۷ آیات ۲۰ الی ۲۶

۲۰ و نه برای اینها فقط سؤال می‌کنم، بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد.

۲۱ تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی.

۲۲ و من جلالی را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم.

۲۳ من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی.

۲۴ ای پدر می‌خواهم آنانی که به من داده‌ای با من باشند در جایی که من می‌باشم تا جلال مرا که به من داده‌ای ببینند، زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی.

۲۵ ای پدر عادل، جهان تو را نشناخت، اما من تو را شناختم؛ و اینها شناخته‌اند که تو مرا فرستادی.

۲۶ و اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نموده‌ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم.

اعضای گرامی، آیا عجیب نیست که امروز، هنگامی که عیسی از قوم خود خداحافظی می‌کند، ما جشن می‌گیریم؟ وداع معمولاً دردناک است زیرا مجبور به جدایی هستید. اما در انجیل شنیدیم که شاگردان "با شادی و حمد از عیسی خداحافظی کردند و عیسی بعد از خداحافظی از آنها به آسمان صعود کرد. آیا آنها نباید ناراحت باشند که اکنون او رفته است؟ چرا که عیسی بعد از این صعود دیگر با آنها نیست، چگونه می‌توانند با خوشحالی خدا را ستایش کنند؟

آنها می‌توانند، زیرا می‌دانستند که تنها نخواهند ماند. زیرا شب گذشته، درست قبل از اسیر شدن و مصلوب شدن، عیسی برای آنها و برای کلیسای خود دعا کرد. در نماز به اصطلاح کاهن اعظم، جمله آخر که ما آن را شنیدیم، او از پدر آسمانی خود تقاضا می‌کند: "من جلالی را که تو به من بخشیدی به آنها دادم تا آنها بتوانند مانند ما باشند، من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی. این دعا تقریباً یک وصیت است. در آنجا عیسی در آخرین ساعات قبل از مرگ خود برای کلیسا دعا می‌کند، که به نظر می‌رسد در جهان تنها مانده است. او به عقب و جلو نگاه می‌کند. او با نگاه به آینده، شاگردان را می‌بیند که همگی "از طریق کلام عیسی به او اعتقاد دارند" و این است که آنها را به وی پیوند می‌زند، یعنی با همه مسیحیان تا امروز. گذشته نگرشی تقریبی به کار زمینی مسیح دارد. اهدافی که وی در مسیر زمینی خود دنبال کرد تقریباً با اهداف کلیسا پس از صعودش مطابقت دارد. آنچه عیسی مایل است به دست آورد، نه تنها برای شاگردان و مسیحیانی که بعد از آنها می

آیند ، بلکه پس از او بر جهان نیز تأثیر می گذارد. آنچه او از مؤمنان درخواست می کند وحدت است. از طرف دیگر ، دنیا به عنوان منجی که خدا فرستاده است ، به او ایمان می بخشد.

اعضای گرامی، در باب های انجیل یوحنا اگر به دنبال کلمات کلیدی جستجوکردن و در مورد آنها تفکر کنیم به احتمال زیاد به هدف خود می رسیم - و یکی از این کلمات کلیدی در این بخش "وحدت" است: "که همه آنها یکی هستند" - در اینجا این جمله ، جمله ای بسیار محوری است که مدام مورد بحث قرار می گیرد. و کلیسا نمی تواند همیشه با دستیابی به اهداف مختلف به این وحدت برسد. این وحدت فقط در جایی وجود دارد که در راستای خواست خدا حرکت کنیم. اهدافی که ما برای کلیسای خود داریم ، همیشه باید با میزان وحدت و ایمانی که عیسی مسیح از آنها می خواهد قیاس شود ، خواه با آنها سازگار باشد یا با آنها کاملاً مخالف باشد.

اما منظور عیسی از "وحدت" چیست؟ او این را قبل از هر چیز توصیف می کند که روابط بین او و پدر را تعریف می کند: "تو ، پدر ، در من و من در تو هستم." بار دیگر و دوباره این تصویر متقابل نمایان می شود. این تصویر از "تقابل دوطرف" در انجیل یوحنا بارها و بارها نمایان می شود - به عنوان مثال ، هنگامی که عیسی کلمه تصویری تاک و شاخه را با این جمله به تصویر می کشد: "آنکه در من می ماند و من در او، میوه بسیار می آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی توانید کرد. ما همچنین می توانیم به پیوندهای زنجیروار که به هم پیوسته اند فکر کنیم. اول از همه ، مهم این است که چنان رابطه نزدیکی بین پدر و پسر وجود داشته باشد که عیسی حتی می گوید: "من و پدر یکدیگر هستیم".

پل گرهارد این ارتباط نزدیک را در آهنگ شور خود توصیف می کند: "بله ، پدر ، بله در اعماق قلب من ، بمان ، من می خواهم تو را برتن کنم و با تو یکی شوم . خواست من به خواست و گفته توست ، و هر آنچه بگویی همان کنم ". بنابراین: عیسی از ته قلب آنچه پدر می گوید انجام می دهد. بنابراین در پسر می توانیم ببینیم که خدا کیست و خدا چیست.

و این ارتباط نزدیک بین پدر و پسر ادامه دارد. و این شامل حال ما نیز خواهد شد . وقتی با پسر همراه شویم به خدا نیز دسترسی پیدا خواهیم کرد. "و اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نموده ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم.

این مانند یک جریان خون واحد است که ما به آن متصل هستیم. و این راز وحدت است: "من نام شما را برای آنها معلوم کردم و آن را اعلام خواهم کرد تا عشقی که ما به هم داریم در آنها باشد و من نیز در آنها هستم".

حالا انجیل یوحنا ، همانطور که می توان تصور کرد ، همیشه ما را کمی مبهوت می کند. حقیقت - در اینجا کاملاً واضح است - قابل بحث نیست ، اساساً فقط خود را آشکار می کند و تصدیق می کند. وقتی فیلیپس به نتنائیل اطلاع می دهد: ما مسیح را پیدا کردیم و او نمی خواهد باور کند، فیلیپس به او پاسخ می دهد: بیا و خودت ببین!

ایمان - همانطور که یوحنا بارها در انجیل خود واضح بیان می کند - ایمان فقط ناشی از تماس با عیسی است. البته پس از بازگشت به نزد پدرش در بهشت ، بسیار بیشتر از روزهایی که در زمین بود . از طرف دیگر ، عیسی مسیح در انجیل یوحنا نشانه های روشنی از چگونگی چنین برخوردی می تواند بعد از حضور زمینی او نشان دهد: در یوحنا ۷: ۱۵ می گوید: "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلید که برای شما خواهد شد و این برای شما اتفاق می افتد. این ممکن است در عبادت ، در خوانش ها ، خطبه ها ، در مطالعه کتاب مقدس اتفاق بیفتد - یا حتی وقتی

حرف او را می شنوم یا می خوانم. این شنیدن و ترسیم متقابل از منبع مشترک ، نه تنها ایمان ما را تقویت می کند. همین طور ، چیزهای زیادی را کشف خواهیم کرد که ما را به هم متصل می کند. برای همکاری با یکدیگر و غلبه بر اختلافاتی که هنوز وجود دارد ، می توان اعتماد به نفس یکدیگر را افزایش داد.

نکته اصلی ارتباط با مسیح البته مراسم شام خداوند است. جای دیگر در انجیل یوحنا ، عیسی با روشی بسیار مشابه از این "در مورد جسم" متقابل صحبت می کند: "کسی که گوشت من را می خورد و خون من را می نوشد ، در من می ماند و من در او" (۶:۵۶). در آنجا او به وضوح به تماس شخصی با او اشاره می کند ، که در آن خودش را به ما می دهد. "وحدت" کلیسا ریشه در تماس فردی با عیسی دارد و این امر تا حدود زیادی در مراسم عبادی صورت می گیرد. و این صدمه می زند که شکاف هایی که از مسیحیت عبور می کنند ، خود را در این آیین نشان می دهند. زیرا این وحدت هدف عیسی است - و این یک سرگرمی نیست ، بلکه این وظیفه و خواست ارباب کلیساست:

"و من جلالی را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم.

من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند و تا جهان بدانند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی.

ای پدر می خواهم آنانی که به من داده ای با من باشند در جایی که من می باشم تا جلال مرا که به من داده ای ببینند، زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی. مطابق انجیل یوحنا ، "جهان" مقابل ما است ، مقابل خدا است و دقیقاً در این تقابل جهان است که آنقدر ضروری است که مسیحیت خود را تکه و پاره نکند بلکه به عنوان یک قلب و یک روح باشد. از آنجا که "جهان شما را نمی شناسد" - این همان چیزی است که عیسی آن را خیلی واضح می نامد ، اما "جهان" باید باور کند که "که خداوند او را برای من فرستاده" .

این چیزی است که کلیسا در آنجاست. "همانطور که پدر مرا فرستاده است ، من نیز شما را می فرستم" ، زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد، حتی پسر خود را فدا می کند. هدف عیسی مسیح این است که از طریق ما مسیحیان ، از طریق کلام و شهادت ، بسیاری به او ایمان بیاورند ، که با او و پدر ارتباط برقرار کنند.

از طریق ما "جهان باید بداند که مرا فرستاده ای و آنها را دوست داری همانطور که مرا دوست داری". "عشق" چهارمین کلمه کلیدی بزرگ در اینجا در این بخش است. عیسی قبل از همه درباره عشق خدا به ما صحبت می کند: "عشقی که شما با من دوست دارید باید در آنها باشد و من در آنها"؛ اما پس از آن عشق خدا فقط به مسیحیان ، و البته برای کل جهان ارتباطی ندارد. افراد اطراف ما باید محبت خدا را از طریق ما احساس کنند و تشخیص دهند. این هدف عیسی است .

نمونه باز مسیحیان که با تمام نگرانی ها و سختیها به عیسی مسیح ایمان آوردند ، جماعت تیزی با بنیانگذار آن ، برادر راجرز، نمونه ای چشمگیر از چگونگی پذیرش باورهای عیسی توسط مسیحیان است. او خداشناسی خود را تنها توسعه نداد ، بلکه در تلاش برای آشتی دادن فرقه های مسیحیان در طول زندگی بود. "عشق ورزیدن" هدف وی در زندگی بود که او همچنین در این راه به میلیون ها جوان در مراسم تیزی این عشق ورزیدن را بخشید. بنا به دستور عبادی آنها ، نشانه جماعت تیزی در درجه اول باید از "نشانه عشق و شادی برادرانه در بین مردم" ، "دوست داشتن

همسایه به هر کجا که ممکن است مکان مذهبی یا عقیدتی آنها باشد" باشد ، و " هرگز با تفرقه بین مسیحیان ، که هنوز هم برخی از هم جدا هستند ، کنار نیایند. نکته اصلی این است که "اشتیاق به وحدت بدن مسیح" داشته باشند.

با اجتماع Taizé ، می توانیم همه دعای کاهن اعظم عیسی (ع) را با خود داشته باشیم: آنچه او می خواهد در مسیر زمینی خود و با کلیسای خود به آن برسد و مطابق آن مکان و وظیفه ما در این مأموریت عالی ، این مأموریت عالی است: اتحاد و عشق ، از خدا ، از طریق ما ، به جهان. آمین